

## ارزیابی رابطه مدیریت محلات با حکمروایی شهری در کلانشهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۱، ۱۲ و ۱۶ شهر تهران)

محمدرضا رضایی<sup>۱</sup>

سهراب مؤذن<sup>۲</sup>

### چکیده

با گسترش شهرنشینی و رشد لجام گسیخته شهرها در طی دهه‌های اخیر، مشکلات و نارسائی‌های فزاینده‌ای در حیطه مدیریت شهری به وجود آمده است. یکی از رویکردهای مورد تأکید برای بهبود عملکرد مدیریت شهرها و حل مسائل و مشکلات شهری به کارگیری طرح مدیریت محله‌ای یا همان رویکرد نوین "خود مدیریتی" شهروندان در امور متنوع مدیریت شهری می‌باشد. در سال‌های اخیر مدیریت شهری تهران برای مدیریت هرچه بهتر این شهر و کاهش مشکلات و نارسائی‌های خدمات ارائه شده به شهروندان تهرانی اقدام به پیاده‌سازی طرح مدیریت محلات در سطح محلات شهر تهران کرده است. با این توصیف، مقاله حاضر به دنبال این موضوع می‌باشد که اولاً مدیریت محلات در دستیابی به هدف خود تاکنون موفق عمل کرده است؟ ثانیاً مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه نسبت به شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در چه وضعیتی قرار دارد؟ و در نهایت این که آیا اجرای طرح مدیریت محلات می‌تواند زمینه و بستری برای تحقق رهیافت حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه ایجاد کند؟ نوع تحقیق کاربردی و روش مطالعه توصیفی- تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و پیمایشی با استفاده از پرسشنامه بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه گردید. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد

1- Email:rezaei58@gmail.com

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد.

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

که مدیریت محلات در دست‌یابی به اهداف خود تاکنون موفق عمل نکرده است؛ همچنین مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه نسبت به شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در وضعیت مطلوبی قرار ندارد؛ و این‌که همبستگی بالایی بین طرح مدیریت محلات و زمینه‌سازی برای تحقق حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** مدیریت محلات، مشارکت، حکمروایی مطلوب شهری، کلانشهر تهران.

### مقدمه

یکی از راهبردهای مورد تأکید در رویکرد نوین مدیریت شهری، جلب مشارکت و همکاری شهروندان در اداره امور شهرهاست. علی‌رغم پیشینه طولانی شهرنشینی و وجود الگوهای سنتی اداره مشارکتی محله‌های شهری در ایران، پیروی از الگوهای متمرکز برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در دوره معاصر (پس از آغاز دوره مدرنیسم و پیروی از الگوی توسعه متمرکزگرای شدید در کشور)، امکان دخالت و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر را به آنها نداده است. این در حالی است که به دلایل ذکر شده روز به روز بر پیچیدگی مسائل شهری و تنوع نیازهای شهرنشینان افزوده شده است؛ در چنین شرایطی نظام مدیریت شهری به‌منظور کاستن از آثار زیانبار گسترش شهرنشینی و همچنین برای مقابله با دشواری‌های اداره شهرها، در جستجوی راه‌هایی برای تسهیل اداره امور شهرها بوده که یکی از این راه‌ها، استفاده از مشارکت‌های مردمی و بهره‌گیری از مدیریت محله<sup>۳</sup> می‌باشد. در کنار لزوم توجه به مشارکت شهروندان در امر مدیریت شهری، بروز مسائلی هم‌چون افزایش سریع جمعیت توأم با گسترش شهرنشینی و رشد و توسعه روزافزون شهرها به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ میلادی مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه؛ از جمله افزایش فقر در شهرها، بیکاری، ناامنی، آسیب‌پذیری در برابر اثرات انسانی، ارائه ناکافی مسکن و خدمات شهری مانند خدمات بهداشتی، آب آشامیدنی، پیدایش زاعه‌ها

و سکونتگاه‌های غیرقانونی و ویرانی محیط‌زیست شهرها را در پی داشته که این خود موجب گشته سیستم مدیریت شهرها علی‌الخصوص مدیریت کلانشهرها با چالش‌ها و تنگناهای عدیده‌ای مواجه گردد (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰؛ ۶۷-۳۵؛ Lewis & Mioch, 2005: 50).

از همین‌رو با مطرح شدن این چالش‌ها و مشکلات و نارسائی‌های فزاینده در حیطه مدیریت شهری سنتی، در سیستم مدیریتی شهری نوین برای رفع این مشکلات و مسائل زندگی شهری، الگوها و رویکردهای متعددی مطرح شده است. یکی از این الگوها که مدل غالب در مدیریت شهری محسوب می‌شود، الگوی حکمروایی مطلوب شهری<sup>۴</sup> می‌باشد. این الگوی مدیریت شهری، به‌عنوان فرآیند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود، که به موجب آن همه ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کم‌تر شده و امکان بیش‌تری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط نهادهای خصوصی و مردمی فراهم می‌شود (McCarney et al, 1995: 8). به‌نظر می‌رسد تحقق رویکرد مذکور در مدیریت شهری ایران و از جمله در کلانشهر تهران مستلزم اصلاح ساختار مدیریت شهری و عینیت‌بخشی به مشارکت شهروندان است. در این خصوص محلات نقش و اهمیت ویژه‌ای دارند. در واقع، محلات شهری کانون و کارگاه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی هستند، چرا که کوچک‌ترین واحد سازمان فضایی شهر محسوب می‌شوند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶؛ ۱۸. فنی و صارمی، ۱۳۸۷؛ ۹۲). این نوع مدیریت رویکرد نسبتاً جدیدی [از جمله در کشور ما] به بهبود خدمات عمومی می‌باشد. به بیانی ساده مدیریت محله‌ای فرآیندی است که اجتماع محلی و تأمین‌کنندگان خدمات محلی را در سطح محلی، برای برطرف کردن مشکلات محلی و بهبود سرویس‌دهی در سطح محلات باهم پیوند می‌دهد (D.C.L.G, 2008; 11). به‌همین منظور، در سال‌های اخیر مدیریت شهری تهران، برای مدیریت هرچه بهتر این شهر و کاستن مشکلات و نارسائی‌های شهروندان تهرانی اقدام به پیاده‌سازی طرح مدیریت محله در سطح محلات شهر تهران کرده است.

رویکرد مدیریت محله‌ای پیش‌گفته که برگرفته از رویکرد اجتماع‌محور و مبتنی بر مشارکت شهروندان می‌باشد، در راستای حل پایدار و بهینه مسائل شهری و همکاری با شهرداری و شورای شهر با هدف مشارکت دادن شهروندان در امور شهر یکی از کارآمدتری سازوکارهایی است که می‌تواند به مدیریت مطلوب شهر بیانجامد. در این باره مطالعات و پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که از جمله آنها می‌توان به پژوهشی با عنوان «چالش‌های نظام مدیریتی محله‌محور در توسعه پایدار کلان‌شهر تهران، با تأکید بر رویکردهای نوین جهانی» اشاره کرد که ساختار مدیریت در کلانشهر تهران ویژگی‌ها و محدودیت‌های مدیریت و نیز ابعاد مدیریت محلی و مشارکت در این کلانشهر پرداخته است (فنی، زهره و صارمی‌فر؛ ۱۳۸۷)؛ همچنین مقالاتی که در ارتباط با مدیریت محله‌ای و نقش مشارکت‌های مردمی در مدیریت شهری در همایش توسعه محله‌ای (اسفند ماه ۱۳۸۳، تهران) ارائه گردید، برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای به عنوان کاربردی‌ترین رویکرد در مدیریت شهری شناخته شده است. در همین ارتباط در پژوهشی با عنوان «مدیریت محله‌ای و آینده نواحی شهری» نقش محلات و برنامه‌ریزی محله‌ای در ارتباط با بهبود کیفیت زندگی و رفع محرومیت ساکنان محلات به‌ویژه در محلات فقیرنشین بررسی شده است (Anne, Power; 2004).

با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه رویکرد مدیریت محلات با حکمروایی مطلوب شهری از دیدگاه شهروندان در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

- ۱- آیا طرح مدیریت محلات می‌تواند تحقق حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت کلانشهر تهران را فراهم آورد؟
- ۲- آیا اجرای طرح مدیریت محلات در دستیابی به اهداف خود (مشارکت) در محلات نمونه در کلانشهر تهران موفق بوده است؟
- ۳- مدیریت شهری مناطق ۱، ۱۲ و ۱۶ تهران در ارتباط با شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در چه وضعیتی قرار دارند؟



بدین ترتیب، محدوده‌های محلات ولنجک، سنگلج و تختی به ترتیب از مناطق یک، دوازده و شانزده شهرداری تهران به عنوان قلمرو مکانی مورد مطالعه انتخاب شدند.

### تعاریف و چارچوب نظری

#### "مدیریت محله"

مدیریت محله‌ای در شکل‌گیری هویت محله‌ای، برنامه ریزی و اقتصاد محله‌ای، ایمنی و توسعه فضایی و کالبد محله‌ای نقش زیربنایی دارد. مدیریت محله‌ای، سطحی مستقل از دولت (شهرداری، شورای شهر) است و هدف اصلی آن بهبود شرایط محله‌ای با مذاکره با سطوح حکومتی و همچنین ترمیم شکاف بین شهروندان و عناصر حکومتی است. در حقیقت می‌توان با این مقدمه شروع کرد که برای اداره عمومی شهر دو دیدگاه وجود دارد: در دیدگاه اول حکومت قرار دارد که شهرداری مسئولیت تمامی امور را بر عهده دارد (وظیفه تأمین خدمات برای جامعه مدنی)، دیدگاه دوم بر مبنای حکمروایی مطلوب. دیدگاه دوم به مقوله مدیریت محله‌ای نزدیک است چون تقسیم وظایف در آن وجود دارد. در این دیدگاه شهرداری به عنوان نماینده حکومت امکانات لازم و اولیه را تأمین کرده، نقش تسهیل‌بخشی را ایفا می‌کند و زمینه لازم برای فعالیت بخش خصوصی را فراهم می‌کند. بخش خصوصی در حقیقت به عنوان سرمایه‌گذار یا به عرصه فعالیت می‌گذارد و باید ضمانت لازم را از جهت حفظ و بازگشت سرمایه در اختیار داشته باشد. بخش سوم جامعه مدنی می‌باشد که در دیدگاه اول منفعل بوده و در این دیدگاه نقش تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و مهم‌تر از همه نظارت را بر عهده دارد. با به وجود آمدن چنین شرایطی می‌توان به مدیریت محله‌ای به معنای واقعی آن تحقق بخشید (معصومی، ۱۳۸۸؛ ۱۷). می‌توان گفت مدیریت محله رویکردی است که اجتماعات محلی و ارائه‌دهندگان خدمات را قادر می‌سازد تا باهم دیگر برای بهبود خدمات‌رسانی در سطح محله و کیفیت زندگی همکاری کنند. این کار از طریق تأمین خدمات محلی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری بیش‌تر مسئولان انجام می‌گیرد. این نوع مدیریت فرآیندی است که هر محله را به عنوان موجودیت منحصر به فرد می‌شناسد؛ و این امر را امکان‌پذیر می‌سازد که جمعیتی که در محله زندگی، کار یا خدمات‌رسانی می‌کنند

نقاط قوت خود را تقویت کرده و به مقابله با چالش‌های جدید بپردازند ( Report of the )  
(Local Services and Community Safety, 2011: 7).



شکل (۱) رویکرد مدیریت محله، منبع: Neighborhood Renewal Unit, 2006, 7

حکمروایی شهری

تغییرات پیوسته در نواحی شهری نیاز به‌نوع جدیدی از رویکردهای برنامه‌ریزی را می‌طلبد. در پانزده سال اخیر دو تغییر عمده در بسیاری از کشورها اتفاق افتاده که روش‌های

جدیدی برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری فراهم کرده است که باعث تمرکززدایی از وظایف حکومت‌های محلی و محول شدن وظایف جدیدی به بخش‌های غیررسمی سازمان‌های غیردولتی شده است (Baud Isa and R. Dhanalakshim, 2006: 134). یکی از رویکردهای جدید که در سال‌های اخیر در حیطه مدیریت شهری پا به عرصه گذاشته است، حکمروایی شهری می‌باشد. گفتمان حکمروایی، عنصر ذاتی همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی و هم‌چنین بین دولت و شهروندان است و ریشه در چشم‌انداز مدیریت عمومی نو دارد که در واقع پاسخی به ناامیدی و دلزدگی از شکست‌های مشهود دولت رفاه، در فراهم آوردن مؤثرتر و کارا تر کالاها و خدمات عمومی است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۱). بین حکومت<sup>۵</sup> و حکمروایی<sup>۶</sup> تمایز وجود دارد. حکومت به ساختار نهاد رسمی موضع تصمیم‌گیری مقتدرانه‌ای اطلاق می‌شود که شاخه‌های قانونی و اجرایی دستگاه دولت و افرادی که آن‌ها را کنترل می‌کنند، در برمی‌گیرد (Rakodi, 2003: 524). در واقع حکومت متشکل از "ساختارها و سیستم‌هایی" است که به منظور ارائه خدمات و تضمین امنیت، حق اظهارنظر و حفاظت و حمایت از تمامی افرادی که در داخل مرزهای یک کشور و تحت مسئولیت یک دولت می‌باشند؛ در مقابل حکمروایی عبارت است از "فرآیند" تصمیم‌گیری و این که چگونه تصمیمات گرفته شده اجرا می‌شوند (MercyCorps, 2011: 5). به عبارت دیگر حکمروایی به کنش، روش یا سیستمی از اداره کردن برمی‌گردد که در آن مرز بین سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی قابل نفوذ باشد. اساس حکمروایی شامل روابط و تعامل بین حکومت و نیروهای غیرحکومتی است. حکمروایی شهری بر شبکه‌های خودسازماندهی شده و رویکردهای پایین به بالا متکی می‌باشد و شهروندان را به عنوان بازیگران و مشارکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های مهم برای اجرا و فرآیند سیاست‌گذاری شهری مدنظر قرار می‌دهد. در نتیجه، حکمروایی شهری به دنبال اقدامات جمعی از طریق بسیج همکاری‌ها، اجماع‌نظر، مشارکت، شبکه‌ها، روابط متقابل، سرمایه اجتماعی،

---

5- Government

6- Governance

توانمندسازی و مسئولیت‌پذیری در فرآیند سیاست‌گذاری شهری می‌باشد (Kim and Dickey, 2006: 1037). حکمروایی مطلوب شهری، حاکی از آن است که همه شهروندان، اعم از فقرا و گروه‌های به حاشیه رانده‌شده، این حق را دارند که:

به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی و معیشت آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشارکت داشته باشند.

سهم آن‌ها در توسعه شهری به رسمیت شناخته شود، حتی اگر این کار از طریق بخش‌های غیررسمی صورت بگیرد؛ و به مزایا و منافع که از طریق توسعه شهری ایجاد می‌شود، سهیم شوند، مزایایی هم‌چون دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های شهری، و زمین برای ساخت مسکن (Sheng, 2010: 135).

مرکز اسکان سازمان ملل حکمروایی مطلوب شهری را بکارگیری بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اجرایی در مدیریت شهری می‌داند. این حکمروایی فرآیند مداومی می‌باشد که همه ذی‌نفعانی که در شهر ساکن هستند و به‌نوعی درگیر رویه مدیریتی هستند را در بر می‌گیرد. این مرکز پیشنهاد می‌کند حکمروایی مطلوب شهری با این اصول شناخته می‌شوند: (۱) پایداری؛ (۲) تفویض مسئولیت به سطوح پایین؛ (۳) عدالت و برابری؛ (۴) کارایی؛ (۵) شفافیت و پاسخگویی؛ (۶) التزام مدنی؛ (۷) امنیت (Auclair & Jackohango, 2009: 3-4). برنامه توسعه سازمان ملل ۱۵ اصل و ویژگی عمده برای حکمروایی مطلوب شهری تعریف کرده است که عبارتند از: مشارکت، حکومت قانون، شفافیت، عدالت و برابری، کارایی و اثربخشی، پاسخگویی، بینش راهبردی، مشروعیت، موضوعات اکولوژیکی، توانمندسازی، همکاری و موضوعات مربوط به اجتماعات محلی (UNDP, 1997: 6). مرکز اسکان سازمان ملل نیز ۲۶ شاخص را در ۵ طبقه گروه‌بندی کرده تا همه ارکان تأثیرگذار در شهر شامل افراد و نهادها، بخش‌های عمومی و خصوصی و برنامه و مدیریت امور عمومی شهر را ارزیابی کند؛ این ۵ طبقه عبارتند از:



جدول (۱) طبقه‌بندی شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری از دیدگاه مرکز اسکان سازمان ملل

کارایی	عدالت و برابری	مشارکت	پاسخگویی	امنیت
۱- منابع عمده درآمد	۶- منشور شهروندی	۱۰- شورای منتخب	۱۵- انتشار قراردادها، مناقصه‌ها، بودجه و حساب‌ها	۲۲- سیاست‌های پیشگیری از جرم
۲- قابلیت پیش‌بینی نقل و انتقال بودجه محلی	۷- درصد زنان عضو شورا	۱۱- شهردار منتخب	۱۶- حمایت در مقابل سطوح بالایی حکومتی	۲۳- خدمات پلیس به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳- بررسی رضایت مندی مصرف‌کنندگان	۸- سیاست‌های قیمت‌گذاری به نفع فقرا	۱۲- تعداد شرکت‌کنندگان در رأی‌گیری	۱۷- قوانین مربوط به نحوه رفتار مقامات مسئول	۲۴- حل و فصل درگیری‌ها
۴- بیانیه چشم‌انداز	۹- مشوق‌های مشاغل غیررسمی	۱۳- انجمن‌های مردمی	۱۸- تسهیلات برای شکایت و پیگیری شهروندان	۲۵- سیاست‌های علیه خشونت بر ضد زنان
۵- آینده‌نگری و چشم‌انداز		۱۴- مشارکت شهروندان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۱۹- کمیسیون ضد فساد	۲۶- سیاست‌های پیشگیری از HIV
			۲۰- آشکارسازی درآمدها و دارایی‌ها	
			۲۱- بازرسی مستقل	

ماخذ: Stewart, 2006; 197

### مواد و روش‌ها

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و توسعه‌ای بوده و از نظر ماهیت کار از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری و اطلاعات به‌صورت اسنادی و پیمایشی خواهد بود. بدین سان که برای نگارش ادبیات موضوع و نظریاتی که پیرامون موضوع وجود دارد روش کتابخانه‌ای لحاظ خواهد شد و در روش میدانی از طریق ابزار پرسشنامه و مشاهده داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق خانوارهای ساکن محلات ولنجک، سنگلج و تختی می‌باشد؛ برای به‌دست آوردن حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران<sup>۷</sup>،

تعداد ۳۳۷ خانوار تعیین شد؛ برای مستندسازی بیش‌تر داده‌های به‌دست آمده و هم‌چنین اطمینان از نتایج پرسشگری این تعداد نمونه به ۴۰۰ خانوار افزایش یافت. در این فرمول سطح اطمینان برابر ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد در نظر گرفته شده است. سپس با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای، با توجه به تعداد خانوار هریک از محلات، محله اوین از منطقه ۱ با حجم نمونه ۱۴۰ خانوار، محله سنگلج از منطقه ۱۲ با حجم نمونه ۱۶۰ خانوار و محله تختی از منطقه ۱۶ با حجم نمونه ۱۰۰ خانوار مورد مطالعه واقع شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون فرضیات تحقیق، از آزمون‌های آماری T-TEST تک نمونه‌ای و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

به‌منظور بررسی و ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت محلات در رسیدن به اهداف خود تاکنون؛ از آنجایی که مهم‌ترین و در واقع رویکرد اصلی که در اجرایی این طرح بوده، مشارکت و سپردن امور به دست خود شهروندان تهرانی می‌باشد و تا زمانی که این هدف تحقق نیابد سایر اهداف این طرح نیز، تحقق نخواهند یافت یا به‌عبارت دیگر تحقق سایر اهداف طرح مدیریت محلات در گرو تحقق مشارکت آنان می‌باشد؛ از این‌رو، این تحقیق در پی بررسی این هدف طرح مدیریت محلات در محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

جدول (۲) شاخص‌ها و گویه‌های سنجش میزان موفقیت مدیریت محله در دستیابی به هدف خود (مشارکت)

شاخص	گویه‌ها
مشارکت	همیاری و مشارکت شهروندان، افزایش پاسخدهی به مشکلات محله، نظرخواهی از اهالی محله نسبت به مشکلات محله، افزایش احساس مسئولیت اهالی محله نسبت به محله خود، کاهش فاصله بین شهروندان و مدیران شهری، بهره‌گیری از قابلیت‌ها و استعدادهاى شهروندان، واگذاری امور محله به‌خود شهروندان، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله، میزان واگذاری امور به مدیریت محله، همکاری و همیاری مدیریت محله با سایر نهادهای مدیریت شهری و بالعکس، برگزاری جلسات منظم و مرتب از سوی مدیریت محله، شرکت در جلسات برگزار شده از سوی مدیریت محله، پذیرش نهاد مدیریت محله از سوی سایر سازمان‌ها و ارگان‌های شهری

در ارتباط با سنجش وضعیت مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه به‌لحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری، هشت شاخص مشارکت، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی،

عدالت و برابری، شفافیت، توافق جمعی و کارآیی و اثربخشی که در محافل و مجامع علمی و دانشگاهی جهان مطرح می‌باشند مدنظر قرار گرفته‌اند.

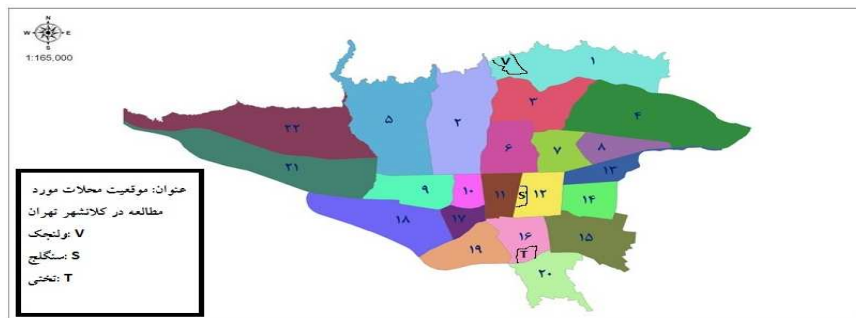
جدول (۳) شاخص‌ها و گویه‌های سنجش وضعیت حکمروایی مطلوب شهری در محدوده مورد نظر

شاخص‌ها	گویه‌های مورد نظر
مشارکت	اتاق فکر و مشورت، مشارکت در فعالیت عام المنفعه، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مشارکت در سرمایه‌گذاری اقتصادی شهر، نظارت اهالی شهر بر تصمیم‌گیریهایی مربوط به شهر، ایجاد بستری برای فعالیت مردم، واگذاری اداره شهر به خود شهروندان، تفویض اختیار به مردم، تسهیل مداخله شهروندان در روند توسعه شهر تهران
پاسخگویی	پاسخگویی مدیریت کلانشهر تهران به وظایف خود، برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات، رضایت‌مندی از پاسخگویی مدیریت شهر تهران، پاسخ قانع‌کننده مدیران شهر تهران به مردم، رو راست بودن مدیران شهر در ارائه برنامه‌ها، تشکیل جلسات عمومی برای در جریان قرار دادن شهروندان، پاسخگو بودن مدیران شهر به عنوان یک اصل و باور، نبود فعالیت‌های خودسر و بی-مسئولیت، جذب مشارکت از طریق پاسخگویی مدیران شهر، همبستگی بین مردم و مسئولین از طریق پاسخگویی مدیران، تعهدپذیری مدیران شهری، باور پذیری ذینفعان برای پاسخگویی، باورپذیری به پاسخگویی در فرآیند مدیریت، سازماندهی شیوه اجرای پاسخگویی، رضایت‌مندی از شیوه پاسخگویی
مسئولیت‌پذیری	تلاش مدیران شهر برای تشویق مردم به پذیرش مسئولیت، احساس مسئولیت مدیران شهر، اعتراف مدیران شهر به اشتباهات خود، پیگیری تحقق طرح‌های در دست اجرا، تمرکززدایی، مسئولیت‌پذیری مردم، شایسته‌سالاری، عدول از اختیارات تفویض شده، توانمندسازی مردم شهر، رضایت‌مندی مردم شهر از مسئولیت‌پذیری مدیران شهر
قانونمندی	پارتنری بازی و ... در کارهای اداری مربوط به شهر، تأثیرگذاری گروه‌های صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر (سنجش فساد)، شرکت افراد ذی‌نفع در مدیریت شهر، میزان پایبندی شهروندان به قوانین و مقررات وضع شده، پایبندی مدیریت شهر به حقوق اهالی شهر، آگاهی و اطلاع مدیریت شهر از حقوق شهروندی، پایبندی مدیریت شهر به عرف و آداب و رسوم شهروندان، التزام مدیریت شهر به برابری در برابر قانون، آگاهی مدیریت شهر از حقوق مکان زندگی، مقاومت مدیریت شهر در برابر رفتارهای خلاف قانون شهروندان، بیطرفی و برابری در برابر قانون (عدم وجود تبعیض و جانبداری و ...)، احترام به حقوق جمعی
توافق جمعی	کار مشارکتی، موفقیت فعالیت‌های گروهی، همسویی و همفکری مدیران شهر و اهالی شهر، همفکری مدیریت شهر با سایر سازمان‌ها و نهادهای شهری، توافق جمعی بیش‌تر در نتیجه تعامل مدیریت شهر با نهادهای دولتی، حمایت از منافع اکثریت گروه‌ها و طبقات اجتماعی، ایجاد ساز و کاری برای مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه شهری و شهروندان، نگرش و باور به جمع و کار جمعی، میزان

<p>رابطه بین مسئولان و مدیران شهری با مردم، نحوه دستیابی به توافقات گسترده بین گروه‌های مختلف موجود در شهر، میزان رابطه و تعامل بین سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، توافق جمعی شهروندان در خصوص موضوعات مهم شهر، میزان رضایت‌مندی شهروندان از منافع جمعی</p>	
<p>عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات شهر، پارتی بازی و حق و ناحق کردن، دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان، انجام طرح‌های شهری در زمان تعیین شده، توجه به منافع جمعی، فراهم شدن حقوق شهروندی، عضویت زنان در مدیریت شهری، استفاده معقولانه از منابع و امکانات، عدالت جنسیتی، اعتقاد به حقوق شهروندی و رعایت آن، برابری فرصت‌ها، تخصیص بهینه منابع و امکانات، عدالت در اجرا (بعد زمانی، فردی، جمعی و ...)</p>	عدالت محوری
<p>شفافیت در تصمیم‌گیری، شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات، نظرخواهی از مردم نسبت به طرح‌ها، مصمم بودن به اجرای تصمیمات گرفته شده، اظهار نظر اهالی شهر نسبت به عملکرد مدیریت شهری، قابلیت دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، کنترل و پایش عملکرد مدیران شهری، تصمیم‌گیری‌های آشکار و نهان مدیران شهری، مستندسازی اطلاعات، اطلاع‌یابی برای شفافیت تصمیمات، رعایت اخلاقیات و صداقت</p>	شفافیت
<p>دائمی و مستمر بودن فعالیت‌های مدیریت شهری، بهبود روش‌ها و اقدامات براساس دانش جدید، بهبود شیوه امور با در نظر داشتن مشارکت مردم، در نظر داشتن مشارکت مردم، استفاده از افراد باتجربه و دانش روز در فرآیند برنامه‌ها و تصمیم‌گیری، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات، رضایت‌مندی اهالی شهر از اقدامات مدیریت شهری، پوشش خدمات در سطح شهر، واگذاری ارائه خدمات به بخش‌های دیگر جامعه، موثر بودن اقدامات مدیریت شهری برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، موثر بودن روند فعالیت‌های مدیریت شهری، نحوه استفاده صحیح از منابع دسترس، بهبود فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، بهبود شیوه و سبک مدیریت شهری</p>	اثربخشی و کارایی

#### معرفی محدوده مطالعاتی

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش محله‌های ولنجک، سنگلج و تختی می‌باشند که به ترتیب در منطقه ۱، ۱۲ و ۱۶ کلانشهر تهران قرار دارند که محله ولنجک دارای ۲۲۷۴۲ نفر جمعیت و ۶۹۵۸ خانوار، محله سنگلج ۲۳۳۴۲ نفر جمعیت و تعداد ۷۷۸۱ خانوار و محله تختی دارای ۱۹۶۳۸ نفر جمعیت و تعداد ۵۴۷۵ خانوار می‌باشند (پرتال محلات شهر تهران؛ ۱۳۹۳).



شکل (۲) موقعیت محلات مورد مطالعه در کلانشهر تهران (مأخذ: نگارندگان)

در پی شکل‌گیری شورایی‌ها و به‌منظور سپردن امور محله به ساکنان محلات و با عنایت به وظایف و نقش شهرداری تهران در گسترش مشارکت و حضور شهروندان در عرصه‌های مختلف و سیاست محله‌محوری و در راستای تحقق مفاد بندهای ۲ و ۵ و ۷ مندرج در ماده ۷۱ قانون وظایف و تشکیلات شورای اسلامی کشور مصوب مجلس شورای اسلامی و به استناد مصوبات ۱۶۰/۷۱۹۱/۱۸۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ جلسات ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۱۶۰/۱۳۱۷/۱۱۷۸۵ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۳ جلسه ۲۲۹ شورای اسلامی شهر تهران، برای مهیا کردن شرایط و زمینه‌های قانونی، اجرایی و تشکیلاتی لازم در جهت شکل‌گیری مشارکت آگاهانه، معنادار، قاعده‌مند و پایدار و استفاده بهینه مدیریت شهری از سرمایه اجتماعی "دستورالعمل ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات شهر تهران" (شکل‌گیری مدیریت محلات) به شرح ذیل تصویب شد (ذاکری، ۱۳۸۹؛ ۸-۱۲):

### یافته‌ها و بحث

نتایج حاصل از مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد نهادها و تشکل‌های مردمی قادر هستند به‌منزله پل ارتباطی بین سازمان‌های دولتی و ساکنین شهرها و ارائه‌کننده خدمات شهری باشند؛ شکل‌گیری مدیریت محله می‌تواند در صورت فراهم شدن بستر مناسب برای این نهاد مردمی به بهترین نحو به‌منزله پل ارتباطی بین شهروندان، ارگان‌های شهری و سازمان‌های دولتی و فراهم‌کننده خدمات شهری باشد.

به‌منظور بررسی مدیریت محله در دستیابی به هدف خود یعنی مشارکت در محلات ولنچک، سنگلج و تختی ابتدای داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه به‌وسیله آزمون T تک نمونه‌ای مورد سنجش قرار گرفت، سپس بر اساس الگوی استاندارد مشارکت، نوع مشارکت مدیریت محلات بر اساس جایگاه و عملکرد آن در مدیریت شهری تعیین گردید.

باتوجه به جدول (۴) که در آن نتایج مربوط به آزمون T تک نمونه در ارتباط با میزان موفقیت مدیریت محله در رسیدن به مهم‌ترین هدف خود یعنی مشارکت به دست آمده، حاکی از این مطلب می‌باشد که پرسش‌شوندگان در محلات ولنچک و سنگلج مدیریت محله خود را در پیاده‌سازی امر مشارکت ناموفق ارزیابی کرده‌اند؛ در مقابل ساکنان محله تختی مدیریت محله خود را در همین مورد مثبت ارزیابی کرده‌اند. در نهایت با ترکیب نتایج به‌دست آمده از محلات ولنچک، سنگلج و تختی مجموع نتایج این سه محله مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به‌دست آمده در کل بیانگر عدم موفقیت مدیریت محلات در رسیدن به مشارکت کامل می‌باشد.

جدول (۴) نتایج به‌دست آمده از آزمون T تک نمونه برای سنجش مشارکت در محدوده مورد مطالعه

محلات	حد متوسط گویه‌ها	میانگین وضع موجود	اختلاف میانگین	سطح معناداری
ولنچک	۳۹	۳۷/۹۶	-۱/۰۴	۰/۰۱۷
سنگلج	۳۹	۳۸/۴۸	-۰/۵۲	۰/۰۰۵
تختی	۳۹	۴۰/۳۱	۱/۳۱	۰/۰۰۰
مجموع سه محله	۱۱۷	۱۱۶/۷۵	-۰/۲۵	۰/۰۱۴

سپس به‌منظور تعیین جایگاه مدیریت محلات در ارتباط با الگوی استاندارد مشارکت و اینکه این مدیریت نسبت به انواع مشارکت، از چه نوع مشارکتی برخوردار می‌باشد نتایج به‌دست آمده در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. در این ارتباط با در اختیار گذاشتن الگوهای مشارکت در اختیار پرسش‌شوندگان، از آن‌ها درخواست گردید با در نظر گرفتن مدیریت محله به‌عنوان نماینده شهروندان و ساکنان محلات، تعیین کنند این مدیریت از

کدام یک از الگوهای مشارکتی پیروی می‌کند. در این تحقیق الگوی استاندارد مشارکت با توجه به جدول (۵) در نظر گرفته شده است، که در آن میزان مشارکت متفاوت است.

جدول (۵) نوع‌شناسی مشارکت و ویژگی‌های آن

ویژگی‌ها	نوع مشارکت
مشارکت فقط در ظاهر وجود دارد (نمایندگان مردم دارای سمتند ولی قدرتی ندارند).	مشارکت مصنوعی
مشارکت مردم تنها در حد آگاه‌سازی آنها از تصمیمات یا اقدامات صورت گرفته است (اطلاعات فقط نزد متخصصان است).	مشارکت منفعل
مشارکت مردم به صورت مشورت گرفتن از آنان یا پاسخگویی به برخی سؤالات است (در اینجا نیز مردم نقشی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند).	مشارکت مشورتی
مردم با انگیزه دریافت کمک‌های مالی، غذا و یا پول اقدام به مشارکت می‌کنند.	مشارکت مادی
مردم ممکن است در تصمیم‌گیری سهیم باشند ولی تا متخصصان تأیید نکنند فعالیتی صورت نمی‌گیرد.	مشارکت کارکردی
مردم در تحلیل‌های مشترک، ایجاد برنامه‌های عملی و تشکیل یا تقویت مؤسسات محلی مشارکت می‌کنند.	مشارکت هم‌کنشی
مردم با در دست گرفتن ابتکار عمل بدون نیاز به مؤسسات بیرونی برای تغییر سیستم به مشارکت می‌پردازند.	خودانگیزی

منبع: شورایی، ۱۳۸۶؛ ۱۰۷

جدول (۶) توزیع فراوانی نتایج مربوط به الگوهای گوناگون مشارکت

الگوی مشارکتی	فراوانی	درصد
مشارکت مصنوعی	۲۶	۶،۵
مشارکت منفعل	۴۳	۱۰،۷۵
مشارکت مشورتی	۱۲۴	۳۱
مشارکت مادی	۰	۰
مشارکت کارکردی	۱۷۸	۴۴،۵
مشارکت هم‌کنشی	۲۹	۷،۲۵
خودانگیزی	۰	۰

باتوجه به نتایج به‌دست آمده از جدول (۵)، مشارکت کارکردی بیش‌ترین فراوانی و درصد را به‌خود اختصاص داده است و پس از آن مشارکت مشورتی قرار دارد. باتوجه به نتایج به‌دست آمده از این بخش این نکته حاصل می‌شود که مدیریت محلات در دستابی به هدف خود در ارتباط با مشارکت کامل و الگوی مطلوب مشارکتی موفق عمل نکرده است.

#### وضعیت مدیریت شهری نسبت به شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری

به‌منظور سنجش وضعیت مدیریت شهری مناطق ۱، ۱۲ و ۱۶ از لحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری، ابتدا میزان هر یک از شاخص‌های هشت‌گانه با استفاده از آزمون T تک نمونه مورد سنجش قرار گرفت، سپس به منظور بررسی وضعیت کلی مدیریت شهری مورد مطالعه نیز این آزمون مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج به‌دست آمده از جدول (۷)، نشان می‌دهد که پرسش‌شوندگان وضعیت شاخص‌های پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانونمندی و اثربخشی و کارآیی را در مدیریت شهری مناطق خود مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ اما شاخص‌های مشارکت، اجماع‌محوری، عدالت‌محوری و شفافیت را رضایت‌بخش ارزیابی نکرده‌اند. در نهایت نیز با ترکیب همه شاخص‌ها باهم، وضعیت کلی حکمروایی شهری در این مناطق مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه به دست آمده حاکی از این مطلب بود که ساکنان مناطق مورد مطالعه مدیریت شهری خود را با وضعیت مطلوب به لحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری مثبت ارزیابی نکرده‌اند.

جدول (۷) بررسی وضعیت شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه

شاخص	حد متوسط گویه‌ها	میانگین وضع موجود	اختلاف میانگین	سطح معناداری
مشارکت	۳۰	۲۹/۲۷	-۰/۷۳	۰/۰۱۹
پاسخگویی	۴۵	۴۶/۰۱	۱/۰۱	۰/۰۱۱
مسئولیت‌پذیری	۳۶	۳۷/۰۸	۱/۰۸	۰/۰۰۰
قانونمندی	۳۶	۳۷/۱۶	۱/۱۶	۰/۰۰۰
اجماع‌محوری	۳۹	۳۶/۹۱	-۲/۰۹	۰/۰۳۴
عدالت‌محوری	۳۹	۳۸/۰۴	-۰/۹۶	۰/۰۰۰



۰/۰۰۰	-۲/۷۴	۳۳/۲۶	۳۶	شفافیت
۰/۰۱۰	۰/۶۸	۳۹/۶۸	۳۹	اثربخشی و کارایی
۰/۰۱۳	-۲/۵۹	۲۹۷/۴۱	۳۰۰	مجموع شاخص‌ها

## ارتباط بین مدیریت محلات و تحقق‌پذیری حکمروایی مطلوب شهری

پس از آگاهی و شناخت از وضعیت مدیریت محله در رسیدن به اهداف خود و نیز وضعیت مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه نسبت به شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری، برای آزمون فرضیه سوم تحقیق که هدف آن شناخت رابطه بین این دو متغیر، جهت رابطه و شدت رابطه است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد رابطه معناداری بین اجرای طرح مدیریت محلات و زمینه‌سازی برای تحقق رهیافت حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه وجود دارد. بر اساس یافته‌های تحقیق، سطح معناداری بین دو متغیر مدیریت محلات و حکمروایی مطلوب شهری کمتر از ۰/۰۵ و رابطه قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر وجود دارد به طوری که ضریب همبستگی بین دو متغیر فوق ۰/۶۲ بوده است. با توجه به یافته‌های حاصل از جدول (۸) می‌توان گفت که هرچه مدیریت محلات بهتر اجرا شود و بتواند در مدیریت شهری از جایگاه و نقش برجسته‌تری برخوردار شود، می‌تواند باعث تحقق و ارتقاء رهیافت حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت شهری شود.

جدول (۸) آزمون پیرسون برای بررسی ارتباط مدیریت محلات و حکمروایی مطلوب شهری

مولفه‌ها	آزمون پیرسون	مدیریت محلات	حکمروایی مطلوب شهری	سطح معناداری
مدیریت محلات	ضریب همبستگی	۱/۰۰۰	۰/۶۲۰	۰/۰۳
	معناداری	-	۰/۰۲	
حکمروایی مطلوب شهری	ضریب همبستگی	۰/۶۲۰	۱/۰۰۰	۰/۰۳
	معناداری	۰/۰۴	-	

## نتیجه‌گیری

مدیریت شهری کلانشهر تهران به منظور مهیا کردن شرایط و زمینه‌های قانونی، اجرایی و تشکیلات لازم جهت شکل‌گیری مشارکت آگاهانه، معنادار و پایدار و استفاده بهینه از سرمایه اجتماعی شهروندان، در چند سال اخیر تصمیم به پیاده‌سازی طرح مدیریت محلات در سطح محلات شهر تهران کرده است در همین خصوص این تحقیق ابتدا به بررسی میزان موفقیت مدیریت محلات در رسیدن به اهداف خود اقدام کرد. به همین دلیل محلات ولنجک از منطقه ۱ شهرداری تهران، محله سنگلج از منطقه ۱۲ و محله تختی از منطقه ۱۶ به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در همین ارتباط بحث "مشارکت" به‌عنوان معیاری برای سنجش موفقیت طرح مدیریت محلات انتخاب شد؛ چرا که اولاً بحث مشارکت مهم‌ترین و به‌نوعی هدف پایه‌ای اجرای طرح مدیریت محلات بوده است؛ ثانیاً در بطن بحث مشارکت مباحثی هم‌چون واگذاری امور و تفویض اختیارات نیز نهفته است و تا زمانی که این هدف اصلی طرح مدیریت محلات به منصفه ظهور نرسد سایر اهداف آن نیز به‌واقعیت تبدیل نخواهند شد. نتایج تحقیق در این ارتباط نشان داد که پاسخ‌دهندگان در رسیدن مدیریت محلات به هدف مشارکت، این مدیریت را ناموفق ارزیابی کرده‌اند. از طرف دیگر در همین ارتباط از شهروندان خواسته شد تا با در نظر گرفتن مدیریت محلات به‌عنوان نمایندگان ساکنان محله خود در بدنه مدیریت شهری جایگاه این مدیریت را در بین الگوهای مشارکت تعیین کنند؛ که در این زمینه شهروندان الگویی که برای این مدیریت استنباط نمودند، الگوی مشارکت کارکردی بود که بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. نتایج این الگو نشان می‌دهد که مدیریت محلات و به تبع آن شهروندان هنوز با الگوی مطلوب که لازمه آن مشارکت کامل و واقعی از یک‌سو و تفویض اختیارات کامل از سوی دیگر می‌باشد، هنوز فاصله دارد. از همین رو در نظر داشتن پیشنهادات زیر شاید بتواند زمینه‌ای برای رسیدن به این هدف باشد:

در بحث آشنایی با طرح مدیریت محلات در شهر تهران اشاره شد که مدیریت محلات در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فعال می‌باشد؛ در همین خصوص پیشنهاد می‌گردد

سازوکاری تدبیر شود که این مدیریت در سایر زمینه‌ها هم بتواند انجام فعالیت بکند و نقشی را بر عهده بگیرد (بحث واگذاری بیش‌تر فعالیت‌ها به این مدیریت).

با بررسی وضعیت مدیریت محلات در قوانین و مقررات مدیریت شهری، هنوز جایگاه و وضعیت این مدیریت در این خصوص مشخص نشده است. پیشنهاد می‌گردد وضعیت این مدیریت در قوانین مدیریت شهری مشخص و تعیین گردیده تا هم جنبه قانونی به خود بگیرد و هم بتواند جنبه اجرایی بیش‌تری به‌خود بگیرد.

الگوی حکمروایی مطلوب شهری به عنوان فرآیند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود، که به موجب آن همه ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کنند. نتایج مربوط به سنجش مدیریت شهری مناطق ۱، ۱۲ و ۱۶ شهر تهران نشان داد که مدیریت شهری این مناطق نسبت به شاخص‌های پاسخ-گویی، مسئولیت‌پذیری، قانونمندی و کارایی و اثربخشی از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشند، ولی نسبت به شاخص‌های مشارکت، عدالت‌محوری، اجماع‌محوری و شفافیت از وضعیت رضایت‌بخشی برخوردار نمی‌باشند. هم‌چنین نتایج مربوط به بررسی کلی مدیریت شهری این مناطق نشان داد در کل این مناطق نسب به شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در وضعیت مطلوب و مناسبی قرار ندارند. امید است با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف رهیافت حکمروایی مطلوب شهری و از جمله پیشنهادات زیر شاهد مدیریت هر چه بهتر و کارا تر در کلانشهر تهران باشیم:

در این تحقیق حکمروایی مطلوب شهری فرآیندی است که در آن سه نهاد دولت، بازار و جامعه مدنی در تعامل و تکامل یکدیگر بوده، به مشارکت حداکثری مردم در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، اجرا و ارزیابی منجر شده تا حقوق فردی، اجتماعی و مکانی رعایت شده و با رعایت قانون، شفافیت و پاسخگو بودن مسئولان و مردم در برابر وظایف محوله، زندگی مطلوب و شرافتمندانه‌ای فراهم شده و در نهایت توسعه مردم‌سالار و عادلانه تحقق یابد به عبارت دیگر، تغییر نه تنها از مدیریت شهری به حکمروایی شهری، ضروری، بلکه تغییر از وضعیت حکمروایی شهری دولت محور به حکمروایی شهری جامعه محور اجتناب‌ناپذیر است.

عدم مشارکت مردم در روند برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت شهری از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های شهری بوده است. رهیافت حکمروایی مطلوب شهری با در نظر داشتن این نکته بحث مشارکت را یکی از شاخص‌های خود به منظور تحقق مدیریت شهری مطلوب مطرح کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه نسبت به این شاخص از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشند. شاید با اندیشیدن تدابیری به منظور اجرای کامل و موفقیت‌آمیز مدیریت محلات بتواند این خلاء بزرگ را در مدیریت شهری جبران نماید.

شهر عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف و همکاری، تعامل و هماهنگی بیش‌تر بین دستگاه‌ها و نهادهای مختلف مدیریت شهری می‌تواند مدیریت بهینه و رضایت‌خاطر شهروندان را سبب شود. شاخص اجماع‌گرایی وضعیت مطلوبی را از دیدگاه پرسش‌شوندگان در مدیریت شهری مناطق مختلف به خود اختصاص نداده است. در همین راستا، همفکری و هم‌سویی بخش‌ها و نهادهای مدیریت شهری باهمدیگر، تعامل و ارتباط مناسب میان مدیریت شهری و نهادهای دولتی، حمایت از منافع اکثر گروه‌ها و طبقات اجتماعی به‌منظور رسیدن به اشتراک نظر جمعی می‌تواند باعث نزدیک شدن دیدگاه‌ها و منافع مختلف در جامعه شهری شود.

ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خودشان، دسترسی برابر به خدمات و امکانات شهری و نیز مشارکت اقشار محروم در اعلام‌نظر و تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط زندگی خودشان در سایه برقراری عدالت و برابری در جامعه شهری می‌باشد. در همین ارتباط نیز شهروندان مناطق مورد مطالعه شهر تهران، وضعیت مدیریت شهری خودشان را در برقراری عدالت کامل ناموفق ارزیابی کرده‌اند. توزیع عادلانه برابر و امکانات در کل منطقه و شهر، مقابله با حق و ناحق کردن حقوق شهروندان، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه شهروندان، استفاده معقولانه از منابع و امکانات موجود، عدالت در اجرای برنامه‌ها (بعد زمانی، فردی و جمع و ...) می‌تواند منجر به عدالت‌محوری در مدیریت شهری گردد.

جلوگیری از هرگونه پنهان کاری در تصمیم‌گیری‌ها، گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، روشن بودن اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود شهر شفافیت در مدیریت شهری را به دنبال داشته و باعث اعتماد سازی بین مسئولان شهری و شهروندان می‌شود. با توجه به اینکه شاخص شفافیت نیز وضعیت رضایت‌بخشی را در مدیریت شهری مناطق مورد مطالعه به خود اختصاص نداده است؛ صداقت در دادن اخبار و آگاهی، مصمم بودن به اجرای تصمیمات گرفته شده، کنترل و پایش عملکرد مدیران شهری می‌تواند شفافیت در روند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را به دنبال داشته باشد.

همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان داد اجرا و پیاده‌سازی طرح مدیریت محلات می‌تواند به نوعی زمینه‌ساز شکل‌گیری و تحقق رهیافت حکمروایی مطلوب شهری شود. چرا که اجرای مدیریت مردمی و از پایین به بالا، سپردن امور به خود شهروندان (تفویض اختیارات)، نظرخواهی و مشارکت از آن‌ها در هر مرحله از برنامه‌ریزی و مدیریت محیط سکونتشان که همه این موارد می‌تواند در اجرای کامل و قانونمند مدیریت محله‌محور تحقق یابد، که به نوعی همه این موارد دربرگیرنده اهداف و خواسته رهیافت حکمروایی مطلوب شهری نیز می‌باشد. امید است با مدیریت هرچه بهتر محلات، همان‌گونه که نتایج پرسشگری شهروندان نیز نشان داد (فرضیه سوم تحقیق)، بتوان تحقق حکمروایی مطلوب شهری را در مدیریت شهری شاهد بود.

## منابع

- ایمانی‌جاجرمی، حسین (۱۳۸۶)، «ویژگی‌های تاریخی- فرهنگی و تحولات معاصر مدیریت محله شهری در ایران، مطالعه موردی: شهرداری محله در تربت حیدریه»، نامه انسان‌شناسی، سال چهارم، شماره ۸.
- برک‌پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۹۰)، «مدیریت و حکمروایی شهری»، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ دوم، تهران.
- پرتال محلات شهر تهران (۱۳۹۰).
- پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین‌زاده‌دلیر، کریم و عیسی‌پیری (۱۳۹۰)، «حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی- فضایی ارتباطی و فاعلیت‌مندی غیراقتصادی، مطالعه موردی: کلانشهر تبریز»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره اول.
- توکلی‌نیا، جمیله و منصور استادی سیسی (۱۳۸۸)، «تحلیل پایداری محله‌های کلانشهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها؛ نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۰، صص ۴۳-۲۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، چاپ هفدهم، سمت، تهران.
- ذاکری، هادی (۱۳۸۹)، «مجموعه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات شهر تهران»، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشارات مدبران.
- شوریابی، حسین (۱۳۸۶)، ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه (نمونه موردی: کوی سیزده آبان تهران)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، «بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)»، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

- فنی، زهره و فرید صارمی (۱۳۸۷)، «چالش‌های نظام مدیریتی محله‌محور در توسعه پایدار کلانشهر تهران، با تأکید بر رویکردهای نوین جهانی»، *مجله صفا*، سال هفتم، شماره ۴۷.
- معصومی، سلمان (۱۳۸۸)، «مدیریت توسعه مشارکت‌های محله‌ای در راستای پایداری کلان شهر با تأکید بر حکمروایی خوب»، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- Auclair, Christine; Jackohango, Alban (2009), "Good Urban Governance: Towards an Effective Private Sector Engagement", Private Sector Unit, UN-HABITAT.
- Baud, Isa, R. Dhanalakshmi (2006), "Governance in urban environmental management: Comparing accountability and performance in multi-stakeholder arrangements in south India, *Cities*, Vol. 24, No. 2.
- D.C.L.G. Department for Communities and Local Government (2008), "Neighborhood Management Pathfinders: Final Evaluation Report".
- Kim sik Kwang, John Dickey (2006), "Role of urban governance in the process of bus system reform in Seoul", *Habitat International* (30).
- Lewis, Dan; Mioch, Janna (2005), "Urban Vulnerability and Good Governance", *Journal of Contingencies and Crisis Management*.
- McCarney, P.; Halfani, M. and Rodríguez, A. (1995), "Towards an Understanding of Governance", the emergency of an idea and its implications for urban research in developing countries, University of Toronto.
- Mercy Corps (2011), "Guide to Good Governance Programming".
- Neighborhood Renewal Unit (2006), "Neighborhood Management – at the Turning Point?", Office of the Deputy Prime Minister.
- Rakodi (2003), "Politics and Performance: The implication of emerging of governance arrangements for urban management approaches and information system, *Habitat International*, 27.
- Report of the Local Services and Community Safety Overview and Scrutiny Committee (2011), "Neighborhood Management", Birmingham City Council.

- Yap kioe sheng (2010), Good Urban Governance in Southeast Asia, *Environment and Urbanization Asia*, 1 (2).
- Stewart, Kennedy (2006), “Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver”, *Cities*, Vol. 23, No. 3.
- UNDP (1997), “*Governance for sustainable human development*”, New York.